

فکر کردن در باره «فکر کردن»

علی لطیفی



تفکر یعنی ...

می‌خواهیم بدانیم تفکر چیست؟ چه انواعی دارد؟ و چه نقشی در وجود انسان ایفا می‌کند؟

در یک تعریف ساده، تفکر یعنی تلاش و جست‌وجو در میان معلومات کسب‌شده و اندوخته‌های ذهنی برای دست‌یافتن به پاسخ یک پرسش. در این تعریف، تفکر به معنای «فکرکردن» و یک «فرایند درونی» است. علاوه بر این تعریف، تفکر به معنای «نیرو» یا «توانایی» انسانی هم هست؛ یعنی به معنای «توانایی فکرکردن». توانایی فکرکردن نه به یک «فرایند ذهنی»، بلکه به «توانایی پیمودن چنین فرایند ذهنی» اشاره دارد. در پرورش تفکر، می‌خواهیم ببینیم چه کنیم که این نیروی درونی قوی‌تر شود؟ برای اینکه بتوانیم ایده و برنامه‌های برای پرورش تفکر داشته باشیم، باید تعریف خود را از تفکر دقیق‌تر کنیم. پس برای فهم دقیق تفکر و انواع آن، از مسیر زیر استفاده می‌کنیم.

انسان = عقل + وهم + فکر + ...
قبل از صحبت درباره تفکر، بهتر است ببینیم نقشه وجودی انسان به چه صورت است.

بر اساس فلسفه و حکمت اسلامی، هر انسانی موجودی جسمانی - روحانی است که نوعی بهم‌پیوستگی و یگانگی دارد. مرتبه روحانی انسان (که در ادبیات فلسفی «نفس» نامیده می‌شود) هم یکپارچه است و هم محل حضور نیروهای مختلف شناختی و انگیزشی. مهم‌ترین نیرو از میان این نیروهای مختلف

شناختی و انگیزشی،

«عقل» است. «عقل» که تفاوت اصلی میان انسان با موجودات بی‌جان و جاندارانی همانند حیوانات و گیاهان است، از دو قسمت تشکیل شده است: «عقل نظری» و «عقل عملی».

«عقل نظری» در رتبه بالاتری نسبت به «عقل عملی» قرار دارد. عقل نظری در مراتب ابتدایی، وظیفه‌اش شناخت حقایق کلی از طریق مفاهیم ذهنی و «استدلال» است و در مراتب بالاتر، به درک حقایق متعالی و معنوی می‌پردازد. به عبارت دیگر، یافته‌های «عقل نظری» همیشه مفهومی و «ذهنی» نیستند، بلکه با رشد روحانی انسان، این شناخت‌های مفهومی به عمق جان او نفوذ می‌کنند و از «دانسته‌ها» به «داشته‌های وجودی» تبدیل می‌شوند.

«عقل عملی» در رتبه پایین‌تری نسبت به «عقل نظری» قرار دارد. عقل عملی نیرویی است که وظیفه چاره‌اندیشی برای جسم و نیروی جسمانی و دیگر نیروهای درونی را بر اساس راهنمایی‌های کلی «عقل نظری» به عهده دارد. یعنی «عقل عملی» با تشخیص اینکه در هر موقعیتی چه عملی پسندیده و چه عملی ناپسند است، بدن و نیازهای بدنی و خواسته‌ها و خیال‌های درونی را به‌گونه‌ای هدایت می‌کند که زمینه برای رشد معنوی و نزدیکی انسان نسبت به خداوند ایجاد شود و عقل اسیر هواها و هوس‌ها نشود.^۱ در مقابل «عقل» که به‌عنوان

شریف‌ترین نیرو یا

مرتبه انسانی، در پی حقیقت، خیر و برتری معنوی است، نیروی «وهم» قرار دارد که مربوط به خواسته‌های حیوانی و مادی انسان و به دنبال هواها و هوس‌های دنیایی است.

تفکر: نیرویی در خدمت

«عقل» حقیقت‌جو یا «وهم»

هوس‌خواه؟

علاوه بر «عقل» (نظری و عملی) و «وهم»، نیروی دیگری به نام «حافظه» وجود دارد. این نیرو وظیفه حفظ و ذخیره ادراک‌ها و تجربه‌های گذشته را بر عهده دارد. در کنار این نیرو، نیروی «تفکر» قرار دارد که وظیفه‌اش جست‌وجو در ادراک‌ها و تجربه‌های ذخیره‌شده و تغییر، تجزیه و ترکیب آن‌هاست. این دو نیرو خدمت‌دهنده نیروهای دیگر هستند. به همین خاطر، نکته مهم در تعیین شایسته یا ناشایسته بودن تفکر، این است که نیروی تفکر (جست‌وجو، تحلیل و ترکیب) به چه هدفی و در خدمت کدام نیرو از نیروهای درونی انسان است: عقل یا وهم؟

در اینجا است که یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های نگاه اسلامی با دیگر نگاه‌ها مشخص می‌شود: اگر نیروی تفکر در خدمت «عقل» و در مسیر دستیابی به یک زندگی پاک و نزدیکی انسان به خداوند باشد، شایسته و پسندیده است (حتی اگر درباره امور دنیوی باشد). ولی اگر هدف از تفکر (تحلیل و ترکیب

معلومات و تجربه‌ها)

فرورفتن در زندگی این جهانی و غفلت بیشتر از زندگی معنوی انسان باشد، چنین تفکری از نگاه اسلامی بی‌ارزش و حتی ضد انسانی است.^۲

انواع تفکر شایسته

با توجه به توضیحات قبل، نیروی تفکر را باید طوری پرورش دهیم که تنها در خدمت عقل باشد و به مواردی از فرایند فکر کردن پردازد که عقلی هستند. با توجه به منابع دینی و آثار حکمت اسلامی، می‌توانیم بگوییم انواع تفکر شایسته شامل موارد زیر است:

تفکر استدلالی: هدف از این نوع تفکر، کسب شناخت درباره یک موجود یا پدیده به‌واسطه ترکیب و تحلیل شناخت‌های گذشته است. تفکر در اینجا در استخدام «عقل نظری» است.

تفکر سنجشگرانه: در این نوع تفکر، دلایل و مسیرهای طی‌شده برای اثبات یک ادعا بررسی، و درستی آن‌ها ارزیابی می‌شود. این تفکر روند دیگری از تفکر استدلالی است. در تفکر استدلالی فرد برای اثبات کردن یک ادعا دلیل می‌آورد و در تفکر سنجشگرانه، فرد بررسی می‌کند که آیا دلیل ارائه شده برای اثبات کردن یک ادعا، درست و کافی است یا خیر؟

تفکر عملی: نوعی تأمل و تدبیر در موقعیت عمل است که از مهم‌ترین وظیفه‌های «عقل عملی» است. «عقل عملی» در این نوع تفکر با استفاده از شناخت‌های کلی و تجربه‌های شخصی

گذشته، و همچنین

ملاک‌های اخلاقی که قبل از این کسب کرده است، به تشخیص وظیفه یا شایسته‌ترین اقدام در هر یک از موقعیت‌های عمل می‌پردازد.

تخیل پسندیده: تخیل به معنای تحلیل و ترکیب صورت‌هایی است که از محسوس‌ها و تجربه‌های گذشته در ذهن ما بایگانی شده‌اند. این تحلیل و ترکیب تنها هنگامی که تحت مدیریت عقل عملی باشد، به سحمت می‌رود که انسان را در مسیر یک زندگی پاک قرار دهد. ابداع‌های هنری معنوی یا نوآوری‌ها و خلاقیت‌هایی که انسان را در مسیر مرتبه‌های کمال یاری می‌کنند، از این دسته‌اند.

تفکر باطن‌نگر: هدف از این تفکر، نوعی تدبیر در هستی خود و دیگر موجودات، به‌عنوان «نشانه»های خداوند و راهنمایی شدن از «نشانه» به سوی «صاحب نشانه» است. این نوع تفکر، نوعی تفکر بصیرت‌آزما و باطن‌بین است که انسان در آن از سطح به عمق حرکت می‌کند و در جهت‌بخشی به شناخت‌های نظری انسان از یک طرف، و هدایت صحیح عقل عملی در تشخیص و اقدام مناسب از طرف دیگر، نقش فراوانی دارد. واژه‌های «تفکر» و «تدبیر» در آیات قرآن در موارد قابل توجهی مثالی از این شیوه تفکر هستند.

پی‌نوشت‌ها

۱. این سخن مطابق با حدیثی مشهور از امام علی (علیه‌السلام) است: «چه بسیار عقل‌ها که لیسر هوا و هوس هستند که بر آن‌ها حاکم‌اند» (تهج البلاغه، حکمت ۲۱۱).

۲. برای پرهیز از ابهام و پیچیدگی متن، برخی از واژه‌های به کار رفته در اینجا دقیقاً مطابق اصطلاحات فلانسه و حکمای مسلمان نیستند.

۳. همین معنای ناپسند از تفکر است که در آیات ۱۸ تا ۲۰ سوره مدثر مذمت شده است.